



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس شنبه ۲۶ شهریور یکهزار و سیصد و پنج مطابق ۱۰ شهر ربیع الاول ۱۳۴۵

جلسه ۱۰

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل و صورت مجلس یوم شنبه ۱۹ شهریور قرائت و تصویب شد. غائبین با اجازه - آقایان: علیخان اعظمی - آقاسیدزین العابدین - سیرزا نصره الله بیات. غائبین بی اجازه - آقایان: محمدولی خان اسدی - شریعت زاده - سیرزا ابراهیمخان قوام - محمد هاشم میرزا افسر - آقا زاده سبزواری

میرزا حسینخان پیرنیا - طباطبائی و کیلی.

دیرآمدگان بی اجازه - آقایان: امیر حسنخان ایلخان - امام جمعه شیراز - دکتر هادی طاهری - میرزا محمدعلیخان نظام مافی - میرزا سیدسهدی معتمد - میرزا اسمعیل خان نجوسی - میرزا محمد تقی بهار - داور - حاج حسن آقاسلک - صادقخان خواجوی.

آقای عباس میرزا راجع به اصلاح امور تجارتي و جلوگیری از تنزل فاحش صادرات مملکت شرحی تقریر و طرح قانونی به اعضای عده از آقایان نمایندگان راجع به الغاء مالیات داده به مجلس شورای ملی تقدیم و به کمیسیون مبتکرات ارجاع شد.

آقای حاج آقا رضا رفیع راجع به ضبط املاک متصرفی مردم به عنوان خالصه در گیلان از طرف مأمورین عالیه و جلوگیری از قطع اشجار ملکی اهالی به استناد صدور تصویب نامه از طرف دولت شرحی اظهار و تقاضا نمودند به دولت تذکر داده شود از این قبیل قانونها جلوگیری نمایند.

آقای فرسند نیز شرحی راجع به لزوم توسعه امور اقتصادی از قبیل احداث خط آهن و تأسیس مدارس صنعتی و علمی و ایجاد بانکهای فلاحتی و استخراج سعادن و غیره تقریر و آقای دادگر اظهار نمودند چون کمیسیون تجدیدنظر در قانون استخدام کشوری انتخاب و تشکیل شده مقتضی است هر یک از آقایان نمایندگان محترم و سایر اشخاص نظریاتی راجع به اصلاح و تکمیل مواد قانون مزبور دارند به کمیسیون ارسال دارند و نیز در تعقیب بیانات آقای حاج آقا رضا رفیع اظهار نمودند تصویب نامه های مخالف قانون علاوه بر اینکه رسمیتی ندارد مرتکبین آن بایستی بر طبق قانون مجازات عمومی مورد تعقیب واقع شوند. آقای شیروانی طرح قانونی راجع به مهاجرت به ایران تقدیم و به کمیسیون مبتکرات ارجاع گردید.

آقای رئیس استعفاى آقای باسداد را از عضویت هیئت رئیسه و اسامی اعضای کمیسیون تجدید نظر در قانون استخدام کشوری منتخبه از شعب را به مجلس شورای ملی اعلام و دو فقره خبر از طرف کمیسیون عرایض و مرخصی اولی راجع به مرخصی ده روز آقای مدرس و دومی راجع به مرخصی یک ماهه آقای افسر قرائت فقره اولی تصویب و دومی رد شد.

دو فقره خبر از طرف شعبه پنجم راجع به نمایندگی آقایان: عصر انقلاب و طباطبائی و کیلی از اردیبل و یک فقره از شعبه دوم راجع به نمایندگی آقای حاج حسن آقاسلک از بجنورد قرائت و نسبت به هر یک جداگانه اخذ رأی شده تصویب گردید.

خبر شعبه سوم راجع به نمایندگی آقای میرزا صادق خان نوری از دماوند و فیروز کوه که سابقاً آقای سبخر استرداد کرده و مجدداً عین

آن خبر را تقدیم نموده بودند مطرح و آقای آقا سید یعقوب شرحی شعر بمخالفت با جریان انتخابات و آقای شیروانی مخبر مختصری مشعر بموافقت تقریر و بالاخره نسبت بنمایندگی ایشان رأی گرفته تصویب شد.

آقای رئیس اظهار نمودند چند روز قبل عریضه از طرف هیئت تجار مقیم طهران به مجلس شورای ملی تقدیم و حسب معمول به کمیسیون عرایض مراجعه شده بود و کمیسیون مزبور به مجلس مراجعه کرده و فعلاً قرائت میشود عریضه مزبور مشعر بلزوم تفکیک قوای ثلاثه مملکتی از یکدیگر و اجراء قانون در باره عموم افراد اعم از مستخدمین دولت و غیره بطور تساوی و حفظ اعتبار امضاء دولت و جلوگیری از صدمات و تحمیلات وارده بر رعایا و تجار قرائت و آقای رئیس اظهار نمودند روح این سراسله بطوریکه آقایان تجار شفاهاً هم اظهار مینمودند راجع به تعیین تکلیف اشخاصی که بر دولت دعواى دارند و یا دولت بر آنها دعواى دارد میناشد و در این موقع که هیئت دولت برای معرفی به مجلس شورای ملی آمده اند البته متذکر باین مسائل شده و جزئیات مطلب را در نظر خراهند گرفت.

آقای میرزا حسنخان مستوفی رئیس الوزراء بدواً شرحی مشعر به تشکر از حسن ظن آقایان نمایندگان محترم نسبت بخود اظهار و آقایان وزراء به ترتیب ذیل به مجلس شورای ملی معرفی و پروگرام دولت را تقدیم نمودند.

آقای میرزا حسنخان وثوق وزیر عدلیه آقای میرزا حسنخان اسفندیاری وزیر مالیه آقای علیقلی خان انصاری وزیر امور خارجه آقای مهدیقلیخان هدایت وزیر فوائد عامه آقای میرزا احمدخان بدر وزیر معارف آقای میرزا محمد علیخان فروغی وزیر جنگ آقای حاج میرزا احمدخان استکی وزیر پست و تلگراف آقای میرزا محمودخان (احتشام السلطنه سابق) وزیر داخله

جلسه آتیّه برونه شنبه ۲ شهریور و دستور آن مذاکره در پروگرام هیئت دولت تعیین و مجلس یکساعت قبل از ظهر ختم شد

۱ - آقای میرزا حسینخان بختیار راجع بدیرآمدگی بی اجازه اعتراض نموده آقای رئیس فرمودند بعد از تحقیق اصلاح می شود.

۲ آقای طاهری نیز اعتراض در مورد فوق داشته فرمودند بعد از تحقیق کمیسیون اصلاح میشود دیگر بصورت مجلس اعتراضی نبود.

در جلسه سه شنبه ۲۹ شهریورماه ۱۳۰۵ قرائت و تصویب گردید.

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین
منشی - سید ابراهیم ضیاء ، منشی نویخت

صورت مجلس شنبه ۲۶ شهریور ۱۳۰۵ مطابق ۱۰ ربیع الاول

صورت مجلس یوم شنبه ۱۹ شهریور را آقای آقا سید ابراهیم ضیاء قرائت نمودند.

رئیس - آقای عباس میرزا (اجازه)

عباس میرزا - بنده قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - آقای حاج آقا رضا (اجازه)

حاج آقا رضا - قبل از دستور.

رئیس - آقای فرمند (اجازه)

فرمند - قبل از دستور.

رئیس - آقای دادگر.

دادگر - قبل از دستور.

رئیس - آقای زوار. (اجازه)

زوار - قبل از دستور.

رئیس - آقای حائری زاده.

حائری زاده - قبل از دستور.

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی نیست؟
(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد . شاهزاده عباس میرزا (اجازه)

عباس میرزا - نکس عوائد گمرک که قریب سیصد هزار تومان میشود برجسته ترین تنزل ایران است مخصوصاً صادرات. و با علاقه مندی که آقایان محترم داشتند از بدو امر در صدد بودند که بهر وسیله شده معایب اوضاع تجارت مرتفع و ترقی آنرا برسیله تعدیل و وضع قوانین فراهم بیاورند . این نکس که راجع بصادرات وارد شده است بعقیده بنده از دو جهت است و دودلیل دارد یکی راجع باین است که بکلی سرحد شمال ایران از حیث تجارت مسدود شده و در ولایات شمال بهیچوجه صادرات نیست و این نه تقصیر زارعین است و نه تقصیر دولت و نه تقصیر قوانین موجود بلکه فقط بواسطه یک معایبی است که باید رفع شود. در ثانی بعضی از قوانین که از مجلس گذشته که در عمل چنین به نظر می آید که آن قوانین باعث تقلیل مال التجاره شاه است و این مردم که عامه واقعاً یا تاجرند یا زارعند. و یا کاسب مواجه شده اند باین دو قضیه و کلیه اوضاع اقتصادی ایران به بدتری رو به بردی است که تصور نمی کنم تا به حال حتی در موقع جنگ بین المللی هم به این درجه احساس فقر و فلاکت در طبقه تجار و زارعین شده باشد. این است که راجع بدلیل اول که قسمت صادرات ایران است در شمال البته بنده این را وظیفه دولت می دانم که بآن حسن اعتمادی که آقایان محترم به دولت جدید ابراز کردند این قضیه را خیلی زود مرتفع سازند و البته کلیه آقایان نمایندگان و همچنین اهالی انتظار دارند از دولت جدید که رفع این بحران را در شمال بکنند و البته دولت هم به وسیله های سیاسی و غیره این قسمت را رفع خراهند فرمود. و در قسمت دوم که راجع به قانون است این هم به عقیده بنده راجع به خود دولت و آقایان محترم است من جمله یکی از آن تجارتهائی که به وسیله قانونی که در دوره پنجم گذشته تقلیل پیدا نموده بلکه رو به معدوم شدن است مسئله تجارت روده است چون قانونی که در دوره پنجم گذشته است راجع به این موضوع بکلی این تجارت را فلج کرد و تجار کلیتاً شکایات زیادی نسبت به این موضوع دارند این است که از طرف یک عده از آقایان محترم یک لایحه قانونی پیشنهاد شده و قریب بیست نفر امضاء فرمودند که عاجلاً تا یک مدتی این مالیات بکلی ملغی

شود که فعلاً تا سایر قضایا اصلاح شود از این حیث یک رهاختی در یک شعبه از تجارت برای مردم فراهم شود این است که این لایحه را تقدیم مقام ریاست می کنیم که به کمیسیون مبتکرات بفرستند .

رئیس - به کمیسیون مبتکرات ارجاع می شود. آقای حاج آقا رضا رفیع اجازه .

حاج آقا رضا رفیع - اگرچه بنده در تعقیب مذاکرات نماینده محترم راجع به امور گیلان می بایست یک قدری صحبت کرده باشم و این بدبختی که برای تجار و کسبه فراهم است به عرض آقایان برسانم ولی داخل این مذاکره نمی شوم و می گذارم برای موقعی که سببش معلوم شود یک مملکتی که در سنوات سابق از شصت هزار نفر همگان پذیرائی می کرد امروز کارش به جائی رسیده که هر روز تجارش ورشکست می شود و تجارتش خزان می شود به هر صورت تا معلوم شد که کی اسباب این بدبختی را برای آنجا فراهم کرد. خلاصه یک گرفتاریهای داخلی است که بنده مجبورم امروز اینجا عرض کنم و به عرض آقایان برسانم و آن راجع به اقدامات مالیه است که برخلاف قانون اساسی بعضی اسلاک را بیخود به عنوان خالصه ضبط می کند در صورتیکه در قانون اساسی مصرح است در اصل هجدهم که هیچ ملکی را بهیچوجه نمی توان غصب و تصرف کرد مگر به حکم قانون آن. مگر به حکم قانون ترجمه شده است به حکم تحصیلدار مالیه. حدس می زند تحصیلدار مالیه که فلان ملک خالصه است می روند ضبط می کنند.

برای حدس فلان تحصیلدار ملکی را که مرد که متصرف است. و پدرش وجدش و عن جدش متصرف بوده اند می روند ضبط می کنند و از متصرف دلیل و مدرک مطالبه می کنند و می گویند سند چه داری ارائه بده!! از متصرف کسی سند مطالبه نمی کند!! این است که بنده استدعا می کنم از آقایان که توجهی بفرمائید در این خصوص برای کلیه جاها مخصوصاً در رشت و بندر پهلوی که تجار و مردم گرفتارند که یک قرار وقائینی برای مالیه باشد که بدون قانون با مردم رفتار نکنند. سرد که می گوید ملک من است آیا کی را باید به بند و عرض خودش را بکند؟ باید بود همان مفتش مالیه را که خودش طرف است به بند و بگوید که شما آنجا را خالصه می دانید یا نمی دانید. در اینجا خود قاضی طرف است. یک مسئله دیگر در باب جنگل است در دوره پنجم هم مکرر عرض کردم یک تصویب نامه صادر شده است در گیلان و سازندگان که سلب مالکیت از مردم کرده است و نمی دانم برای چه اینکار شد و اغلب آقایان متوجه اند به این مسئله و می توانم بنده از طرف گیلانیها تشکر کنم از آقای داور که در زمان وزارت خودشان متحدالمالی صادر کرده اند و دو ماه مردم را آزاد گذاردند و این قرض را داشتیم که حقیقه از ایشان تشکر کنم برای اینکه به قدری آن تصویب نامه اولی سخت بود که چه عرض کنم حالا که این کابینه جدید معین شده و امروز خواهد آمد و معرفی خواهد شد، می خواستم تقاضا کنم از وزارت فوائد عامه که با اینکه یک تمدید چهارماهه داده شده است باز هم مردم در زحمت هستند اصلاً در رشت و گیلان آقایانی که رفته اند مسبقاً و میدانند که درخت یک

چیز مهمی نیست که مثل سایر مناطق عالم دستی غرس کرده باشند و مواظب باشند. اگر چنانچه در نقاط شن زار حکم یا تصویب نامه صادر شود که اگر کسی بخواهد شن را بردارد وزارت کند برود اجازه بگیرد این تصویب نامه یا حکم صحیح است! این مسئله جنگل هم همان حالت را دارد با اینحال میگویند اگرخواستی این درخت را برداری و در جای آن زراعت کنی باید از وزارت مالیه و فوائد عامه اجازه بگیری. بنده شنیده‌ام در بعضی از نقاط شاید در هندوستان باشد که دولت دستی میدهد ب مردم برای اینکه جنگل را پاک کنند و آزاد بکنند و در اینجا وزارت مالیه میگوید آقا چرا این درخت را بدون اجازه من برسداری آقا به چه حق با بودن مجلس این تصویب نامه ها صادر میشود؟ و چرا اینطور با مردم برخلاف قانون اساسی معامله میکنند این است که بنده الغاء این تصویب نامه را از آقایان محترم تقاضا میکنم.

بعضی از نمایندگان - رسمیت ندارد.

یاسائی - تصویب نامه رسمیت ندارد و هر کس صادر کرده است مطابق قانون اساسی باید مجازات شود.

حاج آقا رضا رفیع - بنده هم میدانم رسمیت ندارد همه اهالی فریاد گرفتارند و با اینکه همه میدانند رسمیت ندارد همه اهالی فریاد می کنند و چندین هزار نفر هم نرفته اند مع هذا ترتیب اثری داده نشده و از مردم جریمه میگیرند و صدقه میزنند این بود که بعضی آقایان رساندم که مردم گرفتار و بدبختند تا فکری بحال آنها بکنند.

رئیس - آقای فرزند (اجازه)

فرمند - توجه آقایان و کلاء دوره ششم کاملاً معطوف است که پیشرفت اقتصادی باید برای جامعه ایران بشود دولت هم چه این دولت و چه دولت دیگر همین نظر را دارد جامعه هم انتظار دارد که مجلس شورای ملی یک اقداماتی راجع با اقتصادیات بنماید زیرا اوضاع اقتصادیات خیلی خراب و مردم در فلاکت واقع شده اند بنده یک موادی تنظیم کرده ام که میخواهم بعرض آقایان برسانم. اگر چه مقداری از این موارد را معتقد نیستم که دولت اقدام کند برای اینکه دولت نمیتواند صنعتگر قابل یا زارع خوبی باشد و بنده اساساً برخلاف آناتیسیم هستم یعنی دولت نمیتواند اینطور کارهایی را که وظیفه اشخاص و مردم و کسبه و تجار است اینها را اقدام کند اما از آنطرف هم معتقد هستم که دولت باید مشرق باشد و یک شهرت هائی برای مردم و تجار و ملاحین فراهم بکند و آنها را تشویق کند این است که این مواد را بعرض آقایان میرسانم و بعد یک نظریات دیگری در بعضی قسمتها دارم که بعد در موقعش بعرض آقایان میرسانم: یک - احداث خط آهن از محرم به طهران و بشفراخانه و قتیبر - دو - استخراج دو معدن ذغال سنگ و یک معدن آهن و یک معدن سس در جوار راه آهن: سه - تعقیب نطف شمال چهار - تشویق فلاحت و کشت پنبه. توت برای ابریشم. نیشکر جای کف. کتان و غیره که برای صادرات مملکتی نافع خواهد بود. پنج - تأسیس سی مدرسه فلاحتی و ده مدرسه صنعتی. شش - تأسیس بانگ فلاحتی از راه فروش خالصه و جواهرات سلطنتی.

آقا سید یعقوب - این پرگرام دولت است؟

فرمند - خیر نظریه خود بنده است هر کدام را نخواستید در کنید.

هفت - بکار انداختن کارخانه قند کهریزک و بلور سازی. تأسیس سیم نقاله از معدن ذغال سنگ به طهران. برگرداندن سراب کارون بطرف اصفهان. بستن سد اهراز و تأسیس کمپانی پنبه کاری در خوزستان و استخراج آزادی حفريات و گنج آزادی خروج عتیقه جات و طلا و قالی جوهری. معامله بمنزل با دولتی که بقالی ایران گمرک گزاف بسته اند. الغاء مالیات روده. تأسیس مجله علمی فلاحتی و صنعتی و تجارتي. تعیین حدود قانون دولت در جلوگیری از صدور غله و حبوبات و حیوانات بخارج از مملکت و تحدید دولت در مداخله کلیه امورات تجارتي. قانون تشخیص خالصه جات انتقالی و مالیات آنها یا فروش آنها که نظر آقای مدرس هم همین است. تکمیل مدرسه صنعتی و تجارتي و فلاحتی و انستیتو پاستور و مؤسسه دفع آفات حیوانی. توسعه اسنیه. طلب مستشاران فنی برای وزارت فوائد عامه و معارف از آمریکا. تبدیل مالیات تحدید تریاک به مالیات ارضی. تبدیل جنس دولت به نقد (تسعیر ده سال به ده سال). قانون حدود مالک و زارع. تدوین قانون مدنی و قانون سرور زمان. توسعه دارالمعلمین و معلمات و مدرسه حقوق. توسعه صحیه مملکتی و مدرسه طب. مقصود بنده این بود که بعرض آقایان برسانم در خصوص راه آهن یک نظری دارم که می خواستم در بدو مجلس بعرض برسانم.

برای مسئله راه آهن ما یک مهندس طلبیدیم از آمریکا و مهندس خیلی خوبی هم انتخاب شده تا دوباره دیگر هم گویا وارد طهران بشود اما راه آهن به عقیده بنده سه جنبه دارد یکی جنبه اقتصادی آن است که مهندس اگر خوب باشد ممکن است تشخیص بدهد. اما دو جنبه دیگر دارد که هیچ مهندس نمی تواند تشخیص بدهد مگر سیاستور و رجال مملکتی و آن جنبه اجتماعی و نظامی و سیاسی راه آهن است برای مملکت که آن را هیچ مهندس خارجی نمی تواند تشخیص بدهد. و این دو قسمت را که جنبه سیاسی و نظامی آن باشد بایستی آقایان وزراء و کلاء تشخیص بدهند. مثلاً فرض بفرمائید ما می خواهیم راه آهن بکشیم سی بیستم این راه آهن دو ولایت را به هم وصل می کند و باید وحدت ملی بین این دو ولایت را خودمان تشخیص بدهیم و این راه هیچ مهندس خارجی نمی تواند تشخیص بدهد یا اینکه مثلاً تمرکز قوای نظامی، درجه حد بوده است که راه آهن بتناسب تمرکز قوای نظامی کشیده شود اینها یک چیز هائی است که خود دولت باید تشخیص بدهد ولی با کمال تأسف بنده می بینم که ایرانیها می خواهند این مسائل را تماماً بیندازند گردن مهندسیین و از هر کدام از رجال سی برسیم می گویند صبر کنیم ببینیم مهندس چه می گوید و عقیده اش چیست در صورتیکه دو قسمت اولی مهم تر است. عقیده بنده این است که آقایان و کلاء که دوره ششم ان شاء الله باید موفق بشوند به اینکه در دوره ششم راه آهن شروع به کشیدن بشود اگر چه دو فرسخ یا یک فرسخ هم باشد و تصور می کنم این

وظیفه ما وکلای دوره ششم باشد و امیدواریم ان شاء الله موفق به انجام این وظیفه بشویم و در خصوص راه آهن هم یک افکار متشعشی می بینم این است که بنده عقیده دارم که ما و کلاء زودتر باید مباحثات خودمان را در خارج یا در اینجا در خصوص راه آهن بکنیم و تشخیص خط را بدهیم. اینکه بنده نوشته ام و تشخیص داده ام از محرم به طهران و از طهران به شرفخانه و قطور (سرحد عثمانی) البته این نکته را آقایان نباید تصور بفرمایند که یک چیز مهمی را بنده بطور زود تشخیص داده ام و به عرض آقایان می رسانم. بنده آنچه در این خصوص فکر کرده ام به عرض آقایان می رسانم و بعد هم استدعا می کنم اگر یک اشتباهی کرده باشم آقایان از راه لطفی که دارند رفع آن اشتباه را بفرمایند بنده به طوری که تشخیص داده ام معتقدم که ما دو ایالت داریم یکی آذربایجان که گفته می شود چشم ایران است و واقعاً هم همین طور است یکی هم خوزستان است که یکی از ایالات مهم است که می توان گفت معدن ثروت ایران است چه از حیث فلاحت و چه از حیث معادن نفت و غیره و بنده تصور می کنم از نقطه نظر اجتماعی وصل این دو ایالت به مرکز ایران از همه چیز واجب تر است از نقطه نظر وحدت ملی و این دو جا خاصه خوزستان یک بندر آزادی داریم محرمه که بهترین بندر است و از بندر جنوب ما عجله آباد تر است از بندر دیگر اما آذربایجان هم که معلوم است ایالتی است آباد و مردم کار کنی دارد و فلاحت در آذربایجان نسبت به جاهای دیگر ترقیش کمی بهتر است و فلاحتین خوب دارد و بالاخره برای بار راه آهن آذربایجانی ها بهتر می توانند از سایر نقاط مثلاً استرآباد که هیچ فلاحت نیست کمک بکنند به بار راه آهن و یک نظر دیگر هم داشتم و آن نقطه نظر نظامی است چون این دو خط که در محرمه به طهران نیاید از بیان دوسرکز لشگری ما رد می شود همینطور از طهران تا تبریز و سرحد جلفا و از اینجا به محرمه که تقریباً مسافت هردو یکی است و اگر تفاوتی داشته باشد ده بیست فرسخ بیشتر نیست از نقطه نظر رقابت تجارتي طهران مرکزیت پیدا می کند و به سرحد وصل می شود و این یک خطی است که ما را وصل می کند به راه آهن دنیا و از نقطه نظر وضعیت بین المللی ما خیلی نافع خواهد بود که در بدو امر که ما راه آهن پیدا می کنیم یک راه آهن باشد که به اروپا ما را وصل کند و از نقطه نظر وضعیت بین المللی خیلی خوب خواهد بود. از آن طرف هم یک مسئله دیگر داشتن بندر آزاد است. ممالکی که بندر آزاد ندارند کوشش می کنند که یک بندر آزاد داشته باشند ولی بحمد الله بندر آزاد داریم که محرمه است و تصور می کنم بهترین خطی که در بدو امر در ایران کشیده می شود در محرمه است به طهران و از طهران به شرفخانه است و از آن طرف به سرحد عثمانی و از سرحد عثمانی هم به طوری که بنده شنیده ام و خوانده ام عثمانیها هم بزودی در صدد هستند که در حدود ارض روم و آنجاها راه آهن احداث بکنند و راه آهن قارص را هم وصل بکنند به مرکز شان و البته آنوقت آن راه به سرحد ما می آید و راه تجارتي داریم به دریای سیاه که در مواقع خودش یک رقابت تجارتي چه از صادرات و چه

از واردات مملکتی احداث میکنند که برای ما نافع خواهد بود و در سایر مواد هم در موقع دیگر به عرض آقایان میرسانم چون امروز تصور میکنم که پیش از این لزومی ندارد.

رئیس - آقای دادگر. (اجازه)

دادگر - صحبت من خیلی کوتاه است یک عرضی داشتم میخواستم بکنم. یک عرض دیگری هم در ضمن مذاکرات بر حسب اقتضا برای من تولید شد که لازم شد عرض کنم در نتیجه اشکالاتی که برای قانون استخدام احساس شد در دوره پنجم تقنینیه شروع شد به انتقاد از قانون استخدام و یادآوری از نواقصش. همانطوریکه هر عملی متدرج به درجاتی است که اول حرف میزنند بعد میرسد به موقع عمل و غیره این قضیه هم حالا کمیسیون پیدا کرده است و این کمیسیون مترصد و رود در حل اشکالات است و کار خودش را بدو قسمت تقسیم کرده یکی مرحله تحقیق و یکی مرحله تصمیم اینکه بنده آمدم اینجا برای این بود که در مرحله تحقیق تذکر بدهم و استدعا کنم آنچه در نظر آقایان برسد در باب تصحیح به ما سرقوم بفرمایند و به گوینده از خارج هم ترقع داریم اگر اشخاصی توجه دارند ما را به اشکالاتی که حلتش برای ما مفید است آشنا بکنند و بگویند. اینجا یک چیز مهمی را میخواستم یادآوری کنم و آن این است که ما باید همیشه مترصد باشیم که قانون باید از افراط و تفریط مصون باشد چون در اطراف قانون استخدام دو نظر است یکی نظر افراط و دیگری تقریب یک اشخاص زیادی میخواهند حقوقی از ذو الحقوق بگیرند و عده دیگر نظر مخالف دارند ولی به عقیده بنده همیشه باید حد اعتدال را در نظر گرفت مسأله دیگر که موجب شد بنده عرض بکنم نطق آقای رفیع بود که بنده را به نام نمایندگی از سازندگان و سبوعیث از طرف رفقای خودم دعوت کرد به اینکه از حق نطق قبل از دستور استفاده بکنم و در اینجا عرض بکنم همانطوریکه آقای یاسائی فرمودند که به موجب قانون مجازات هرگونه تصویب نامه و تصمیمی که صادر شود نه تنها مؤثر نیست بلکه متعقب به مجازات صادر کننده است و بطور کلی عرض میکنم اینگونه تصویب نامه ها نمی تواند از صاحبان حقوق حقوقی را سلب کند و بنده نمی دانم برای اینکار چه فکری باید بکنیم و این قضیه قدر و قیمت سؤال را هم گرفته ولی چه بکنیم هنوز یک وسیله انفعی پیدا نکرده ایم که بدان وسیله بتوانیم یک راهی پیدا بکنیم و مطالبی را که برخلاف قانون و ترتیب جریان دارد به کلی رفع کنیم ولی چون حفظ قوانین مشروطیت یک اصل ثابتی است حالا به همان نظر اجمالی قناعت کرده و از آقای رئیس تقاضا داریم که یادآوری کنند که این مسأله برخلاف قواعد است رئیس - آقای شیروانی. (اجازه)

شیروانی - چون این طرحی را که بنده حاضر کرده بودم توضیحاتی لازم داشت که میبایستی عرض بکنم ولی نظر به اینکه طبع و توزیع میشود و آقایان از مواد آن مستحضر میشوند دیگر توضیحی عرض نمیکنم عجلاناً طرحی است تقدیم میکنم در موضوع مهاجرت به ایران.

رئیس - به کمیسیون مبکرات رجوع میشود آقای زوار

فرمایشی دارید؟

زوار - خیر عرضی ندارم.

رئیس - آقای بامداد از عضویت هیئت رئیسه استعفاء داده بودند بنده با ایشان مذاکراتی کردم که شاید صرف نظر کرده و استعفاء خودشان را پس بگیرند ولی از قراریکه امروز پائین تشریف آورده اند همچو معلوم میشود در نظریه خودشان باقی هستند لذا استعفاء ایشان اعلام میشود. راجع به کمیسیون تجدید نظر در قانون استخدام کشوری آقایانیکه از شعب شش گانه به عضویت کمیسیون انتخاب شده اند از فراریست که به عرض مجلس سیرمانم: آقای دادگر - آقای احتشام زاده - آقای حق نویسی - آقای خطیبی آقای دولت شاهی - آقای فرهمند - خبر کمیسیون عرایض و سرخصی راجع به اجازه ده روز آقای مدرس از تاریخ حرکت که کمیسیون تصویب کرده قرائت میشود. (به شرح آتی خوانده شد)

آقای مدرس نماینده محترم برای مسافرت ده روز از تاریخ حرکت اجازه سرخصی خواسته اند کمیسیون سرخصی ایشان را تصویب مینماید.

رئیس - رأی گرفته میشود به این خبر آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگری است راجع به اجازه غیبت شاهزاده افسر از تاریخ بیست و چهارم اسرداد کمیسیون هم تصویب کرده است قرائت میشود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

آقای افسر نماینده محترم خراسان به واسطه تراکم امور شخصی از تاریخ ۲۴ اسرداد تلگرافاً اجازه سرخصی خواستند حقوق خود را هم به کتابخانه مجلس مقدس تقدیم داشتند کمیسیون عرایض و سرخصی تصویب مینماید.

رئیس - آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده - گرچه در این راپرت یک جمله اخیر هست که موجب شد بنده از مخالفت شدید خود صرف نظر نمایم ولی اصولاً آقایانیکه مقام نمایندگی را قبول میکنند باید بدانند که وقت خودشان را به این مملکت فروخته اند و باید صرف مصالح عمومی نمایند و این حقوقی هم که داده میشود در واقع کمک خرجی است و یک چیزی نیست که ما برای او ما به ازاء قرار بدهیم و کیل یک تکالیف وجدانی دارد که باید به او عمل کنند.

رئیس - آقای بیات. (اجازه)

مرتضی قلیخان بیات - بنده هم مخالفم موافقی اظهار کند تا بنده جواب عرض کنم.

سیرزاحسنخان اسفندیاری مخبر - چون مدت سرخصی گذشته بود و ایشان هم حقوق خودشان را تقدیم کتابخانه کرده بودند از اینجهت کمیسیون تصویب کرده است.

رئیس - علی ای حال رأی گرفته میشود به این خبر آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. خبر از شعبه پنجم راجع به نمایندگی آقای میرزا آقاخان عصر انقلاب از اردبیل و مضافات آقای عراقی. (احضار برای قرائت خبر شعبه)

(آقای عراقی خبر مزبور را به شرح ذیل قرائت نمودند)
شعبه پنج در تاریخ ۲۶ شهریورماه بدوسیۀ انتخابات اردبیل و مضافات رسیدگی کامل نموده در تاریخ نهم اسفندماه ۱۳۰۴ حکومت اعلان انتخابات را داده و سی و شش نفر از اهالی را مطابق قانون انتخابات دعوت مدعوین نه نفر از بین خود برای عضویت انجمن اصلی به رأی سخنی معین کرده و از تاریخ ۴ فروردین ماه ۱۳۰۵ شروع به دادن تعرفه و اخذ رأی کرده کلیه تعرفه توزیع شده بیست و هشت هزار و هشتصد و هفتاد و یازده از تمامی آراء سآخوذه که عده آن ۲۸۷۱۱ رأی بوده آقای میرزا آقاخان عصر انقلاب به اکثریت هشت هزار و یکصد و چهل و پنج رأی به نمایندگی دوره ششم تقنینیه منتخب شده اند شعبه چون ایراد قانونی در دوسیۀ انتخابات اردبیل و مضافات ندیده نمایندگی آقای میرزا آقاخان عصر انقلاب را برای دوره ششم مجلس شورا تصدیق و خبر آن تقدیم مجلس شورای میشود.

رئیس - رأی گرفته میشود به نمایندگی آقای عصر انقلاب از اردبیل و مضافات آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر راجع به نمایندگی آقای طباطبائی و کیلی از اردبیل و توابع.

آقای عراقی خبر مزبور را به شرح ذیل قرائت نمودند.
شعبه پنج بدوسیۀ انتخابات اردبیل و مضافات رسیدگی کرده شرح آن در خبر سابق به عرض مجلس رسید در نتیجه قرائت آراء آقای میرزا صادقخان طباطبائی و کیلی به اکثریت ۱۰۶۳۶ رأی به نمایندگی دوره ششم تقنینیه منتخب شدند شعبه نمایندگی آقای میرزا صادقخان را تصدیق و خبر آن تقدیم مجلس شورا میشود.

رئیس - رأی گرفته میشود به نمایندگی آقای طباطبائی و کیلی از اردبیل و توابع. آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده کثیری برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر راجع به نمایندگی آقای حاج حسن آقا ملک از بجنورد.

(آقای ضیاء برای قرائت راپرت احضار و به شرح ذیل قرائت نمودند)

انتخابات بجنورد ۱۲ اسفند ماه / ۱۳۰۴ شروع گردیده و بعد از انتخاب و انعقاد انجمن نظارت ترتیب شعب فرعی را داده اعلان انتخابات منتشر مدت توزیع تعرفه و اخذ آراء را ۷ روز از ۲۰ تا ۲۶ فروردین ماه قرار داده و در مدت معین شروع به توزیع تعرفه و اخذ آراء شده است مجموع تعرفه های توزیع شده در تمام حوزه های انتخابی بجنورد ۱۴۴ و ۴ ورته و با رعایت مراتب قانونی استخراج و قرائت آراء شده و در نتیجه آقای حاج حسن آقای ملک به اکثریت ۳۶۹۹ رأی در درجه اولی به نمایندگی مجلس شورای سلی انتخاب و بعد از ختم مدت قانونی انتخابات را خاتمه داده

اعتبارنامه ضمیمه صورت مجلس به اسضای انجمن و حکومت بجنورد رسیده است. شعبه دوم در تاریخ ۱۷ اسرداد ۵/ بعد از رسیدگی به مدارک و جریان امر صحت انتخابات بجنورد و نمایندگی آقای حاج حسن آقای ملک را تصدیق و خبر آن را به مجلس شورای ملی تقدیم میدارد.

رئیس - تصویب شد.

خبر شعبه سوم راجع به نمایندگی آقای منتصر از حوزه انتخابیه دماوند. چندی قبل در مجلس مطرح شده بود و بواسطه مخالفت آقای آقاسید یعقوب به تعویق افتاد بعد هم بر حسب تقاضای آقای مخبر به شعبه عودت داده شد حالا عین همان خبر تقدیم مجلس شده است. آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - مخالفت نماینده با راپورت نماینده دیگر از دو راه است یکی از نقطه نظر جریان انتخابات و اینکه عملیات و جریان انتخابات آیا از راه قانون و مطابق با قانون بوده است یا خیر. و یکی دیگر از نقطه نظر صلاحیت منتخب است. قانون برای منتخب یک صفات ثبوتیۀ قائل شده است و یک صفات سلبی. یعنی معین کرده که وکیل باید دارای چه صفاتی باشد و چه صفاتی از او مسلوب باشد. اما مخالفت بنده با آقای آقاسیرزا صادق خان منتصر از طریق عدم صلاحیت منتخب نیست برای اینکه ایشان سوابق مشعشی در راه مشروطیت دارند و شاید اغلب آقایان مستحضر باشند که در آن انقلاب بزرگ که چه حکایتها پیش آمد. (و بعد هم حالا همه مقدس شده اند بماند) چه زحمات بزرگی آقای آقاسیرزا صادق خان و پدرش متحمل شدند. ایشان تبعید شدند فرار کردند و در جریان گیلان آقاسیرزا صادق خان مدبر خدمات بزرگی بودند بنده در دوره دوم و سوم وکیل نبودم ولی داخل در جریان و جمعیتها بودم و میدانم که ایشان داخل در دسوکراتها بودند و به قدری هم تند سیرفتند که هیچ اعتدالی به آنها نماند. پس مخالفت بنده از نقطه نظر صلاحیت منتخب نیست بلکه با جریان انتخابات است البته جریان انتخابات اسسال طهران طوری واقع شد که چنانچه در مجلس هم تذکر دادم هیچ در ایران سابقه ندارد و مجلس حقیقه باید این مسأله را قضیه فی واقع بداند و همچو تصور کنند که این قضیه هائله که واقع شده مخصوص به همین دفعه است و این را نباید یک سابقه تصور کرد فقط یک قضیه واقع بیندارد والا اگر غیر از این باشد و بنا شود این را یک سابقه قانونی تصور کنیم عمل انتخابات به کلی از بین خواهد رفت. در فراکسیونها هم در این باب صحبت شده که نباید جریان انتخاب اسسال طهران را سابقه قرار داد والا بکلی حکومت ملی از بین خواهد رفت و باید این قضیه واقع را مخصوص این دفعه دانست و تکرارش را جایز ندانست و طهرانها دیگر نباید این کار را بکنند والا دو مرتبه مجلس که میآید و نمایندگان شجاعی که میآیند ایراد خواهند کرد. غرض اینکه ایراد بنده راجع به جریان انتخاب است حالا عرض میکنم انجمن مرکزی در دماوند تشکیل شده بود و انجمن فرعی در فیروز کوه و از اینجا اختلاف بین انجمن اصلی و فرعی شروع میشود. انجمن فرعی میگوید:

مطابق ماده هفده قانون من خودم مسؤل صحت انتخاباتم و قانون سرا مسؤل دانسته و این حق را به من داده و نمیخواهم انجمن مرکزی در اینجا دست بیندازد زیرا از عملیات انجمن مرکزی میترسد. انجمن مرکزی هم میگوید من حق دارم و باید دخالت کنم. در این مسأله حقیقتاً برای بنده یک شبهه قانونی پیدا شده که میخواهم به عرض آقایان برسانم واقعاً در این قبیل مواقع تکلیف چیست؟ ماده هفده قانون انجمن فرعی حق داده و او را مسؤل صحت انتخابات کرده حالا اگر اختلاف نظری بین انجمن مرکزی و انجمن فرعی پیدا شد و انجمن اصلی گفت حکماً نماینده من را باید قبول کنی والا حکم به بطلان میکنم و از طرف دیگر انجمن فرعی بگیرد قانون سرا مسؤل صحت انتخابات قرار داده و نمی توانم نماینده تو را قبول کنم در این موقع چه باید کرد؟ در دوره های پیش یک سابقه غلطی پیدا شده که در قانون هیچ سابقه ندارد و آن مسأله فرستادن مفتش است برای اینکه به یک عده بیکار حقوقی بدهند آمده اند مفتش معین کرده اند این فقط برای همین است که به یک عده حقوقی بدهند والا سابقه قانونی ندارد و امیدوارم این سابقه غلط از بین برود زیرا اسباب زحمت است. مفتش که بیرون هر کجا را که میل نکرد رأی به بطلان میدهد. بنده نظر به سوابقی که از دوره چهارم و پنجم پیدا شده که حکم انجمن مرکزی را باید مطمح نظر قرار داد و انجمن فرعی را باید تابع او دانست این عرض و اشکال را کردم و با این ترتیب هم مخالفم زیرا در اینجا اختلاف پیدا میشود. و حالا از آقایانی که با این راپورت موافقت استند دارم این مسأله را برای بنده قانوناً حل کنند که در صورت بروز اختلاف بین انجمن فرعی و اصلی در صورتیکه هر دوی اینها مسؤل صحت انتخابات هستند و مستقل هستند چه باید کرد؟ از این نقطه نظر بنده ایراد کردم والا نسبت به شخص منتخب با آن سوابقی که دارند میل ندارم مخالفتی کرده باشم.

شیروانی - اولاً فرمایشات اولیه آقاسید یعقوب حقیقه موجب تشکر بنده و آقایان دیگر است که رأی به اعتبارنامه آقای خواجوی میدهند که حسن سوابق ایشان و سوابق مشروطه طلبی ایشان را تذکر داده اند و اما قسمت بیاناتی که راجع به جریان انتخابات طهران فرمودند ربطی به این موضوع ندارد و شاید بنده هم حقاً با ایشان هم عقیده باشم ولی جریان انتخابات طهران و انتخابات دماوند ارتباطی بهم نداشته است و همانطور که در خبر تذکر داده شده است بین چند نفر کشمکش بوده و کاندیدهای متعدد داشته است و هر یک از این کاندیدها در یک حوزه مخصوصی نفوذ خاصی داشته اند و یکی از آن کاندیدا هم که آقای منتصر السلطان هستند که در فیروز کوه نفوذی داشته اند و قهرم و خریشهایشان آنجا هستند و اینکه فرمودند اشکال قانونی راجع به مسؤولیت حوزه مربوطه اگرچه در خود قانون انتخابات و ماده هفده صراحتی در این باب نیست ولی حقاً باید فهمید که هر حوزه لاقول نسبت به همان حوزه مربوطه خودش مسؤولیت دارد و حق دارد انتخابات آنجا را در تحت نظر خودش اجرا کند و همانطور که گفتید در ادوار

پیش یک معمول غلطی که مخالف قانون بوده است که نماینده یا مفتش از مرکز بفرستند این غلط و برخلاف قانون هم بوده است و غالباً سوءاستفاده میشده لهذا نماینده که رفته است یک تلگراف شکایتی از چند نفر که دارای چند امضاء است می‌کند که انجمن نپذیرفته است تلگراف دیگر که خود انجمن می‌کند یک عده دیگر از اهالی آن را تکذیب می‌کنند که اگر بخواهید ملاحظه بفرمائید موردش در دوسیه هست و اصلش شاید پیش بعضی از نمایندگان باشد و بالاخره این دو تلگراف متضاد است و از قرار تحقیقات و تفتیشات و مطالعاتی که ما کردیم و سایر سواد دوسیه را که ملاحظه کردیم دال بر این است که نماینده که از اینجا رفته است راپورت انجمن را پذیرفته است و نماینده هم خودش یک تحقیقاتی در دوسیه کرده است و یک خطی از او بدست آمده است که در آنجا دخالت داشته است و این هم یک اشکال قانونی نیست که یک نماینده را که از مرکز رفته است انجمن فرعی نپذیرفته باشد دیگر بسته است به نظر آقایان.

رئیس — آقای آقامیرزا سیدعلی. (اجازه)

آقای سید میرزا علی — عرایض بنده هم عین بیاناتی است که آقای شیروانی فرمودند.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافیست.

رئیس — رأی گرفته میشود به نمایندگی آقای منتصر از دماوند آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد، چند روز قبل عریضه از طرف عده از تجار طهران تقدیم مجلس شده و مطابق معمول به کمیسیون عرایض ارجاع شده است و کمیسیون تصویب کرده است که در مجلس علنی قرائت شود و تصور میکنم چون هیئت دولت برای معرفی تشریف آورده‌اند در حضور ایشان قرائت شود بیشتر اهمیت خواهد داشت.

(به شرح ذیل قرائت شد)

محاحه مقدس مجلس شورای ملی شیدانته ارکانه.

بدیهی است که تمام ممالک متمدنه عالم به قوه سه عامل اصلی که عبارت از قوه: مقلنه و قضائیه و مجریه است اداره میشود، و در هر مملکتی که این قوای معظمه هر یک در مقام خود محفوظ و کارکنانش از صدر تا ذیل خودشانرا تابع قوانین موضوعه دانستند روز بروز آبادی و استقلال مملکت و دولت و رفاهیت رعیت افزوده و عموماً در کمال آسایش و آراش امرار حیات کرده و آن به آن افکار صائبه به ترقیات مادی و معنوی خود کوشیده و نائل میشوند و هر دولتی خرد را زیاده‌تر در مقابل قوانین جاریه مملکت مثل دیگران تسلیم کرد و قضاوت محاکم صالحه را در دعاوی افراد نسبت بخود برسمیت پذیرفت قهراً عظمت و قدرت و اعتبار امضاء و حیثیاتش بیشتر و عسوم تبعه و رعایا را بخود اسیدوار و دلگرم و مطیعتر میسازد متأسفانه در مملکت قانونی ما که بیست سال است حکمران ملی در آن حکمفرما است هنوز این اصل که وجودش علت آبادی و فداانش مایه خرابی مملکت است

آقای رئیس الوزراء آقایان وزراء را میتوانند معرفی بفرمایند.

میرزا حسن خان مستوفی (رئیس الوزراء) — پس از عرض تشکر از حسن ظن و اعتمادی که آقایان نمایندگان نسبت به بنده ابراز فرموده‌اند به عرض و اطلاع آقایان نمایندگان محترم میرسانم که اعلیحضرت همیونی بنده را سأسورتشکیل هیئت دولت فرموده‌اند و بنده هم از آقایان حاضر برای همکاری خودم تمنا کرده‌ام و قبول همکاری بنده را کرده‌اند که بدون رعایت مراتب وزارتخانه‌ها و اشخاص معرفی میشوند: آقای میرزا حسنخان وثوق، وزیر عدلیه آقای میرزا حسن خان اسفندیاری، وزیر مالیه — آقای علی قلی خان انصاری، وزیر امور خارجه — آقای مهدیقلی خان هدایت — وزیر فواید عامه — آقای میرزا احمدخان بدر، وزیر معارف — آقای میرزا محمد علیخان فروغی، وزیر جنگ — آقای حاج میرزا احمدخان اتابکی، وزیر پست و تلگراف — آقای احتشام السلطنه سابق (آقای میرزا محمودخان)، وزیر داخله. و این هم اصول خط مشی دولت است که رؤس مسائل است که بطور پروگرام تقدیم میشود.

رئیس — آقای مدرس فرمایشی داشتند؟

مدرس — بعد از آقای دکتر مصدق عرایضی داشتم.

رئیس — (خطاب به آقای دکتر مصدق) — راجع به چیست؟

دکتر مصدق — راجع به هیئت دولت.

رئیس — راجع به هیئت دولت امروز سوعش نیست.

دکتر مصدق — اجازه میفرمائید عرضم را بکنم.

رئیس — عرض میکنم سابقه ندارد در سوع معرفی هیئت

دولت مخصوصاً راجع به هیئت دولت صحبت شود.

دکتر مصدق — سابقه دارد بنده عرض دارم... (صدای

زنگ رئیس)

رئیس — عرض میکنم سابقه ندارد که در سوع معرفی هیئت دولت تقیماً یا اثباتاً صحبتی بشود. آن سابقه که به نظر آقای دکتر مصدق میآید با مورد فعلی تشابهی ندارد برای اینکه در دوره پنجم در سوعی که کابینه ترمیم شد نه اینکه اصولاً معرفی شد در آن سوع بعضی از آقایان اظهاراتی کردند که در اثر آن اظهارات جلسه تعطیل شد بعد از آنکه ثانیاً جلسه منعقد شد آن شخص ناطق خواست ادامه به نطق خودش بدهد منتهی به رأی مجلس شد و مجلس رأی داده که نباید حرف بزند بنابراین تمام آقایانی که میخواهند راجع به دولت تقیماً یا اثباتاً فرمایش کنند در جلسه آتیه که پروگرام جزو دستور خواهد شد بفرمائید بنابراین پروگرام دولت مطابق معمول طبع میشود و جلسه آینده مطرح خواهد بود.

(مجلس یک ساعت قبل از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی — سید محمد تدین

منشی — منشی —

رئیس — روح این عریضه در درجه اولی منتهی به یک اصل میشود همانطور که یک عده از تجار که آمده بودند شناها هم گفتند و آن اصل این است که یک قانون کاسلی از مجلس نگذشته است که تکلیف اشخاصی که دعاوی بر دولت دارند یا دولت بر آنها دعاوی داشته باشد کاسلا معین شده باشد علی‌ای حال استدعای ایشان این بود که مجلس مقدس عطف توجهی به این موضوع بفرمایند و بنده به آنها گفتم در دوره پنجم هم یک عده از آقایان نمایندگان در این باب اقدامی کرده‌اند حالا در این سوع که هیئت محترم دولت تشریف آورده‌اند البته متوجه این اصل مهم خواهند بود و جزئیات آنرا هم از نظر دور نخواهند فرمود بنابراین